

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: AA-AA

گوش کر

(از دفتر خاطرات)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد به خال هندویش، جانم گرو شد
سر زلفش به دست غیر دیدم جهان در چشم من یک باره شو شد
ز خاک شهر کهنه چون برآیم ترا منزل، بتا در شهر نو شد
من از حسرت به خود صد پیچ خوردم سر گیسوی تو تا چیه تو شد
ز من گوئید آن کاکه جوان را کجا کرتی و دستارت گرو شد
نداری پول یک پوچکه در جیب مگر صرف قمار چکه پو شد
جهان بیدار گشت و مردم ما یکی بعد دگر افتاده خو شد
به چوکی تا مقرر گشت مامور پی رشوت چنان در تگ و دو شد
که یک دم خانه ویرانه او مجل خانه ای در شهر نو شد
ندادم یک دوسه مهمانیش من مدیر شعبه در جانم ببو شد
کجا قصاب از قیمت فروشی ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
فضای کابل از بس پر ز خاک است به چشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد ۱۳۳۲ ش)